

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹ • ۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۱۲۶ اکتبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۴۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۴

اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

نور نوشت



افزایش یافتن شمار مبتلایان به ویروس کرونا موجب خستگی بدنه کادر درمانی شده است / عکس: محمد محسن زاده، میزان

رسانه

گروه‌های مجازی خانوادگی

آسیب بزرگ سپهر رسانه‌ای ایران



پژمان موسوی

شایعه، پاشنه آشیل اصلی سپهر رسانه‌ای ایران است؛ این، نه یک ادعا یا فرضیه که واقعیت این روزهای حوزه خبر و رسانه است، درباره ریشه‌ها و جرایبی رواج شایعه و عوامل تقویت‌کننده آن، تاکنون بسیار گفته و نوشته شده است اما نکته‌ای که به نظر، حلقه مفقوده ترویج گسترده شایعه در ایران است و اتفاقاً بسیار هم محدود به آن پرداخته شده، گروه‌های تلگرامی و واتس‌آپی خانوادگی و دوستانه است.

با رواج گسترده شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ایران که به‌دنبال افزایش پرشمار گوشی‌های تلفن هوشمند و تقویت سرعت و کیفیت اینترنت «خانگی» و «همراه» از یک سو و محدودیت فعالیت رسانه‌های رسمی از سوی دیگر پدید آمد، در کنار گروه‌ها و کانال‌های خبری حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای، صدها هزار گروه دوستانه و خانوادگی هم در دو محیط واتس‌آپ و تلگرام به‌عنوان دو رسانه و پیام‌رسان پرمخاطب ایرانی فعال شدند. کارکرد این گروه‌ها در ابتدا به ردوبدل‌کردن عکس‌ها، فیلم‌ها و پیام‌های دوستانه و خانوادگی محدود بود اما پس از مدتی نسبتاً کوتاه، کارکرد اصلی و پنهان این گروه‌ها، یکسره به رواج شایعه، دروغ و اخبار غیرواقعی تغییر مسیر داد و فضای رسمی و حرفه‌ای رسانه‌ای در ایران را به تمامی تحت تأثیر تبعات منفی و مخرّپ خود قرار داد. نگاهی دقیق، جزئی و موشکافانه به کارکرد گروه‌های دوستانه و خانوادگی در کنار یک مشاهده میدانی ساده، مؤید این موضوع است که گروه‌های دوستانه و خانوادگی، بهترین بستر برای رواج دروغ و شایعه است، هرچه هم دروغ و شایعه بزرگ‌تر، انتشار و باورپذیری‌اش بیشتر و گسترده‌تر، فرقی هم نمی‌کند موضوع دروغ و شایعه چه باشد؛ از کشف راه‌های درمان و کشف قریب‌الوقوع واکسن کرونا تا جدی‌ترین مسائل ژئوپلیتیک خاورمیانه، همه و همه موضوع‌هایی است که در بستر این گروه‌ها داغ می‌شود و خیلی سریع از طریق یک شبکه موبرکی، به‌صورت گسترده منتشر می‌شود. آن‌قدر هم این شایعات متنوع و زیاد است که اساساً پرداختن به آنها و نوشتن درباره آنها کاری عبث و غیرممکن شده است؛ چراکه تا می‌روی درباره یک موضوع روشنگری کنی، موضوع جدیدی مطرح می‌شود و طومار مسئله قدیم را درهم می‌پیچد و ما می‌مانیم و تعداد زیادی دروغ و شایعه که روی هم تلنبار شده و کسی را یارای نوشتن درباره همه آنها نیست.

در این وضعیت، مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چه باید کرد؟ مگر می‌شود به این همه گروه و خانواده و گروه دوستی دسترسی داشت؟ اصلاً دسترسی هم اگر باشد، چطور می‌توان همه آنها را مجاب کرد که دست از شایعه‌پردازی بردارند و حرفه‌ای، مسئولانه و متعهدانه عمل کنند؟ آیا این موضوع شدنی است؟ پاسخ به این پرسش یک کلمه بیش نیست: خیر! زیرا صورت‌مسئله اگر بالا باشد، البته که هر پاسخی یکسره ناامیدکننده و همراه با بن‌بست خواهد بود. راه ایمن، مؤثر و البته مطابق با واقعیت‌های امروز ایران، بالا بردن سواد رسانه‌ای از یک سو و ترویج آزادی بیان و مطبوعات برای فعالیت آزاد روزنامه‌نگاران و خبرنگاران از سوی دیگر است. سواد رسانه‌ای اگر بالا باشد، هر شایعه و دروغی نمی‌تواند خود را به‌عنوان «خبر» برای افکار عمومی مطرح کند و مخاطبان هر چیزی را اساساً باور نمی‌کنند. سواد رسانه‌ای اگر بالا باشد، مردم، حتی مخاطبان عام، می‌دانند که برای باور یک خبر یا رویداد، اندکی بررسی لازم است و یک شایعه و دروغ را نباید به محض دریافت، فوراًورد کرد. سواد رسانه‌ای اگر بالا باشد، مخاطبان می‌دانند روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، با تعهدی که به حقیقت دارند، هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهند اعتبار خود و رسانه‌شان مخدوش شود و از این‌رو، همواره در ترویج راستی و حقیقت می‌کوشند.

از سوی دیگر، رسانه‌ها اگر آزاد باشند و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بتوانند بدون محدودیت کار حرفه‌ای خود را انجام دهند، اساساً جایی برای شایعه و دروغ نمی‌ماند و شایعه و دروغی هم اگر باشد، خیلی سریع عیان می‌شود و شایعه‌سازان و دروغ‌گویان، رسوا، ازهمین‌رو، دفاع از آزادی بیان و مطبوعات، تنها راه مقابله با فضا سازی‌های مجازی و ترویج گسترده دروغ و شایعه است. موضوعی که در یک جریان طبیعی، می‌تواند سواد رسانه‌ای میانگین مخاطبان را هم بالاتر ببرد و سپهر رسانه‌ای ایران را از آلودگی مصون نگه دارد.

زندگی زیر سایه موج سوم

نبی‌الله عشقی‌ثانی

کرونا که انتظار می‌رفت ظرف دو سه ماه از شیوع، تسلیم دانش پزشکان و متخصصان بهداشت و درمان شود، می‌رود تا در مسیر یک‌ساله‌شدن قرار بگیرد.

کرونایی که در آغاز آن را چندان جدی نگرفتند، اکنون حضور خود را در سراسر جهان به رخ می‌کشد و وحشتی را به وجود آورده که کمتر انسانی پیدا می‌شود که هر روز به آن نیندیشد و نگران گسترش آن نباشد. دانش پزشکی و بهداشت بعد از گذشت ۹۰ سال از عمرش، اکنون در مقابل کرونا سرخ کرده است. با گذشت نزدیک یک سال از انتشار این ویروس و مشغول‌کردن همه جهانیان به خود به شکلی که نه‌تنها خواب را از چشمان دانشمندان حوزه بهداشت و درمان ربوده و بسیاری از پزشکان، پرستاران و کادر بیمارستان‌ها را مبتلا کرده است و حتی تعداد قابل ذکری از آنان در مقابله با کرونا جان خود را از دست داده‌اند، بیشتر کشورهای جهان با وجود داشتن امکانات بسیار خوب بهداشت و درمان حالا با کمبود کادر پزشکی و تخت بیمارستانی مواجه شده و حتی بیمارستان‌های موقت و صحرایی راه‌اندازی شده است.

کرونا آن‌قدر اثرگذار بوده که سیاست و سیاستور را هم به مبارزه طلبیده است؛ به‌طوری‌که در انتخابات اخیر آمریکا یکی از مباحثی که مطرح شده، به کشمکش کشیده شده و برای نقد عملکرد طرف مقابل مورد استناد قرار گرفته، شیوه مواجهه با این بیماری و مقابله با آن بوده است.

هر روز اخباری از کشورهای جهان منتشر می‌شود که واکسن کرونا در حال ساخته‌شدن است و بلافاصله گروهی دیگر این ادعا را رد و تأکید می‌کنند ساخت واکسن به این زودی‌ها عملی نیست بلکه نیازمند تحقیق و بررسی و آزمایش روی حیوانات و سپس انسان‌هاست. اینها بسیار زمان‌بر است؛ همچنین تاکنون پزشکان و حتی غیرپزشکان متعددی ادعا کرده‌اند که داروی این بیماری را کشف کرده و در حال درمان هستند و روز بعد این ادعاها از سوی پزشکانی دیگر رد می‌شود.

در همه جهان اندیشمندان در حال تدوین شیوه‌نامه‌های زندگی با کرونا هستند. در کشور خودمان که در آغاز پیدایش کرونا برخی مسئولان قرنطینه‌کردن شهرها و حتی استفاده از ماسک را غیرضروری و غیرمفید می‌دانستند، اکنون نه‌تنها ماسک‌زدن، درخانه‌ماندن و خود را قرنطینه‌کردن را ضروری می‌دانند بلکه تعطیلی شهرها و کسب‌وکارها را لازم دانسته و رفت‌وآمد بین شهرها حتی درون شهرها را خطرناک می‌دانند و بر اجرای فاصله اجتماعی تأکید می‌کنند و اصرار می‌ورزند؛ همچنین اکنون در شرایطی هستیم که تعداد قابل ذکری از دستگاه‌ها و تولیدکنندگان در حال تولید ماسک به روش‌های سنتی و مدرن هستند.

تحصیل چندین میلیون دانش‌آموز اکنون تحت تأثیر کرونا قرار دارد. آموزش‌وپرورش مجبور به ابداع شیوه آموزش مجازی و آموزش از راه دور شده است که خود نیازمند ایجاد سازوکارهای جدید و ارتقای توانمندی‌های معلمان و مدرسان است.

خیام‌کردن تبتل و گوشه هوشمند و سایر تجهیزات ضروری برای محصلان چالش بزرگی را برای خانواده‌ها به وجود آورده است. ضمن آنکه خبرهایی از خودکشی دانش‌آموزان به دلیل نداشتن موبایل هشداری جدی به مسئولان است.

نهادهای حمایتی مثل کمیته امداد بهزیستی و مؤسسه‌های خیریه با چالش مهم تهیه لپ‌تاپ و گوشی هوشمند برای دانشجویان و دانش‌آموزان کم‌بضاعت تحت پوشش خود مواجه هستند که تأمین آن نیازمند مساعدت و کمک همه مردم است.

بنابراین کرونا نه‌تنها سلامت بلکه همه ابعاد زندگی انسان‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده که مواجهه با آن نیازمند عزمی ملی و همبستگی و اقدامات جهانی است.

در داخل کشور نیز در حادثین شرایط کرونایی قرار گرفته‌ایم و کرونا با شدت می‌تازد و تلفات انسانی آن غیرقابل تصور شده است. مقابله با آن علاوه بر همکاری مردم، مشارکت همه قوا و بسیج همه منابع کشور را می‌طلبد. سؤال این است که برای تأمین بهداشت روانی مردم و کاهش اضطراب و نگرانی‌های روزمره آیا همه تخصص‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی حوزه بهداشت روانی در یک برنامه‌ریزی منسجم ملی به کار گرفته شده‌اند یا قرار است به کار گرفته شوند؟ با چه برنامه‌ای قرار است مردم از این مهلکه جان سالم به در ببرند؟

بایک زمانی

نور ولوزیست

وزیر محترم بهداشت چند روز پیش ضمن گلایه شدید از کسانی که مقررات کرونا را اجبار نکرده و کار را به اینجا کشانده‌اند، با ظاهری که از صداقت گفتار ایشان حکایت می‌کرد، فرمودند در چند هفته یا چند ماه اخیر یک ساعت هم خواب مداوم نداشته‌اند! البته درخواست جدیت در مقابله با کرونا از جانب هرکس قابل تقدیر است اما درباره بیانات ایشان مطالب زیادی می‌توان گفت؛ به‌خصوص که بارها و بارها فرموده بودند: «الگوی درمان کرونا در دنیا هستیم» و «خانه‌به‌خانه ویروس را نابود خواهیم کرد» و نظایر آن و بعلاوه در اوج بحران کرونا به مسائل دست‌چدمی مثل طب ایرانی که ققط خودشان می‌دانند چیست و تلفیق طب سنتی در خانه‌های بهداشت که هیچ تصویری از آن وجود ندارد و تقدیر از نقش طب سنتی در مقابله با کرونا پرداختند! معلوم نیست در آن زمان تصور روشنی از ابعاد بحران و مشکلات پیش‌رو داشتند یا خیر؟ و آیا ملت و به‌خصوص جامعه پزشکی‌ای که هرروز بیش از هر کشور دیگری، در این نبرد آسیب می‌بینند، لایق رویکرد واقع‌بینانه‌تری بودند یا خیر؟ اینها همه به‌جای خود اما در این یادداشت می‌خواهم به موضوعی که دقیقاً به تخصص خودم و انجمن مغز و اعصاب مربوط می‌شود بپردازم؛ بی‌خوابی!

پرنده آبی

دختر آبادان

ماجرای تعرض و رفتار نادرست مأمور حراست پالایشگاه در هنگام دستگیری دختر آبادانی اتفاقی بود که با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شد؛ مخاطبان به این شیوه نادرست رفتاری اعتراض کردند و خواستار برخورد با آن شدند. چندین وکیل در گوشه‌وکنار کشور درخواست کردند که دفاع از این دختر را در این پرونده بر عهده بگیرند. رفتار آن مأمور، بار دیگر مسئله تعرض به زنان را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرد. مسئله‌ای که در سال‌های گذشته زیر سایه اقتدار مردانه و سکوت زنان پنهان می‌ماند. این‌بار مسئله در جلوی دوربین‌ها رخ داده بود که به‌شدت تلخ بود. بسیاری از واکنش‌ها در راستای حقوق از‌دست‌رفته این دختر بود اما صفحه ایوان وکلا که توسط چندین وکیل اداره می‌شود، از منظری کلان‌تر موضوع را بررسی کرد و نوشت: «صرف‌نظر از اینکه آن دختر فیلم‌های منتشرشده به چه علت به خانه یک مدیر شرکت نفت مراجعه کرده، صرف‌نظر از اینکه آیا سلاح سرد به همراه داشته یا نداشته، صرف‌نظر از اینکه ورود او به آن خانه به قصد تهاجم بوده یا نبوده و صرف‌نظر از اینکه واقعیت چیست و روایت‌های رسمی بعد از این واقعیت را چگونه روایت کنند یا او را مجبور به چگونه روایتی نمایند... باید به چند نکته توجه داشت؛ حتی در فرض وقوع یک حمله و یک تهاجم، اولاً دفاع باید حین حمله صورت گیرد نه بعد از آن، ثانیاً متناسب با حمله یعنی از نوع و به اندازه آن باشد، ثالثاً هر حرکتی که در قالب دفاع انجام شود باید برای دفع حمله و تهاجم ضرورت داشته باشد و توسل به وسیله دیگری که موجب آسیب کمتری شود (از جمله نیروی پلیس) ممکن نباشد... در غیر این صورت، نمی‌توان برای توجیه به مفهوم قانونی دفاع مشروع متوسل شد... این ویدئو حتی در خوش‌بینانه‌ترین فرض‌ها روایتگر یک انتقام و تنبیه است نه دفاع! اما تا به امروز در همه آنچه می‌شنویم یک نکته بیشتر توجه را جلب کرده: مأمور حراست تنها از این جهت متهم شده که مرکب حرکت غیراخلاقی دست‌زدن به بدن آن زن شده! نه برای رفتار غیرقانونی، نامتناسب و متعوضانه‌اش...تمام!».

این نکته و رعایت‌نکردن رفتارهای مناسب با متهمان مسئله مهمی است که نیاز به بررسی مسئولان دارد؛ چراکه ویدئویی دیگر نیز در مشهد از شکستج یک متهم در ملا عام منتشر شده است؛ ویدئویی به‌شدت تلخ و ترسناک. ویدئوهایی که نیاز به رسیدگی سریع دارد، هرچند فرد کشته‌شده، جانش را دوباره به دست نمی‌آورد. بسیاری از مردم اعتراضات خود را در شبکه‌های اجتماعی بیان کردند و بسیاری این ویدئو را با ویدئوی مرگ جورج فلوید در آمریکا مقایسه کرده‌اند.

پیشخوان

کتاب «آل‌زایمر، شناخت و پیشگیری هوشمندانه» تألیف دکتر «مهرناز شهرآرا» در دو بخش و ۱۰ فصل به نگارش درآمده است. ابتدا مغز و ساختار آناتومیک آن به اجمال توضیح داده شده و اهمیت حافظه برای انسان تشریح شده است. وجوه مشترک و تمایز فراموشی طبیعی و مرتبط با سن و بیماری‌های دیگر با آلزایمر به‌خوبی توضیح داده شده و به ویژگی‌ها و اهمیت اختلال خفیف شناختی پرداخته شده است. پس از این فصول مقدماتی و پایه‌ای، وارد بحث بیماری آلزایمر، علل و انواع و شیوه‌های تشخیص آن می‌شود. فصل جذابی تحت عنوان نقش وراثت و محیط در بیماری آلزایمر به چالش‌های موجود در این حوزه پاسخ‌های مستندی می‌دهد. بخش دوم کتاب می‌تواند اهمیتی مضاعف برای عموم خوانندگان غیرحرفه‌ای داشته باشد، زیرا به اقدامات پیشگیری‌کننده از بیماری و به‌ویژه ۱۲ گام برای محافظت از حافظه پرداخته است. در این قسمت، بر مدیریت استرس و گسترش تعاملات اجتماعی و نقش ورزش تأکید ویژه‌ای شده است. به‌طورکلی نویسنده از منابع معتبری برای تدوین مطالب بهره برده و سعی کرده اطلاعات علمی و به‌روزشده‌ای در اختیار خوانندگان خود قرار دهد.

آکادمی

بی‌خوابی

بیش از هر چیز من را به نوشتن این یادداشت واداشت، جنبه‌های انسانی و سلامت‌خواهانه موضوع بود. یک مطالعه جدی اخیراً نشان داده است که سوای مسائل روانی، محرومیت از خواب REM بیش از یک سوءتغذیه جدی به جسم بیمار صدمه می‌زند. این تأثیرات در سنین بالای ۶۰ و استرس‌های فراوان خطرات بیشتری دارند. از همین‌روست که از صمیم قلب امیدوارم بیانات ایشان حاکی از نوعی اغراق باشد. اگرچه همین اغراق هم از جانب مقام مسئولی که باید تنها بر واقعیات و اطلاعات متکی باشد، جای تأسف بسیار دارد. این جسارت را هم مرکب نمی‌شوم که بربرسم وقتی امکان برنامه‌ریزی برای ۲۴ ساعت وقت بی‌زبان زندگی خصوصی بر مبنایی علمی وجود ندارد، چگونه می‌توان برای نبرد ملی‌ای با ابعاد بحران کنونی کرونا برنامه‌ریزی کرد؟ تنها می‌توانم آرزو کنم به خاطر مصالح ملی ما هم شده ایشان حداقل هفت ساعت در شبانه‌روز بخوابند و در دولت‌های بعد هم مسئولان بالادست هنگام انتخاب افراد برای چنین مناصب مهمی شرط هفت ساعت خواب در ۲۴ ساعت را هم در نظر بگیرند؛ به‌خصوص در شرایط بحران! به علاوه یادآوری کنند که راه‌حل‌هایی مثل معذرت‌خواهی و درخواست استعفا، می‌تواند از یک سو باعث امیدواری در میان مردم شود و از سوی دیگر شاید در سیاست‌های بالادستی تغییراتی ایجاد کند. از اینها گذشته عذرهایی که در لحظه به ذهن می‌آیند، گاه بدتر از گناه از کار درآمده و حرف‌وحديث فراوان ایجاد می‌کنند.

اتفاق

نمایشگاه ممیز، هنر به مثابه حرفه برپا شد

افتتاحیه آنلاین، فرصتی برای حضور مردم ایران

موزه گرافیک ایران تا دو ماه می‌زبان نمایشگاه «ممیز، هنر به مثابه حرفه» خواهد بود. به گزارش روابط عمومی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، این نمایشگاه روز جمعه دوم آبان، پس از چند ماه تأخیر به دلیل مشکلات کرونا، در میان محدود و از طریق لایو اینستاگرام دراکانت انجمن افتتاح شد. فرزاد ادیبی در ابتدای مراسم با تجلیل از شخصیت بزرگ مرتضی ممیز، از بانیان نام‌گذاری خیابانی به نام استاد ممیز ساسگراری کرد و از طرف جمعی از اهالی گرافیک درخواست کرد که بخشی از بارک پلیس به نام پارک گرافیک نام‌گذاری شود تا خدمات این حرفه بیشتر و بهتر به جامعه شناسانده شود. اوئیش امین‌الهی دبیر نمایشگاه در گزارشی به روند برپایی نمایشگاه پرداخت که از رزستان ۹۸ آغاز و سرانجام برگزار شد که در آن آثار رایافته به نمایشگاه (۲۵ اثر) در سالن وسط و آثار مدعوین (۵۷ اثر) در دو سالن راست و چپ طبقه بالا به نمایش در آمده‌اند. همچنین ۱۶ اثر از طراحان بین‌المللی که به مناسبت هفتادمین سال تولد استاد ممیز در سال ۸۵ در نمایشگاهی به نمایش درآمده بودند، در سالن پایین (حوض‌خانه) در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند.

محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران از حاضران در این افتتاحیه بود که در ابتدای صحبت‌هایش به احترام ممیز کلاه از سر برداشت و با ساس از برگزارکنندگان نمایشگاه از مقام مرتضی ممیز و تلاش ایشان در مرمری‌کردن حرفه گرافیک در طول چندین دهه از عمر بابرکتش به نیکی یاد و به آرم شهرداری تهران اشاره کرد که مردم تهران با آن ارتباط بسیار خوبی برقرار کرده‌اند. رجبی معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران نیز در سخنانی از طراحان گرافیک به‌عنوان پایه‌گذاران اصلی خانه هنرمندان ایران یاد کرد. سپس محسن سلیمانی، عضو هیئتمدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک، موضوع درخواست مجوز دفاتر کار طراحان گرافیک در منازل مسکونی را که چندی‌پیش به شورای شهر ارائه شده بود، یادآوری کرد و ادامه داد: با توجه به شرایط کرونا و بسته‌شدن بسیاری از دفاتر که در منازل مسکونی کار می‌کنند و با مشکلاتی از سمت شهرداری‌ها مواجه شده بودند، فشار مالی وارده بر طراحان گرافیک بسیار بیشتر شده و از شورای شهر درخواست رفع این مشکلات را داریم. در آن جلسه دکتر حق‌شناس اعلام کرده بود این پیگیری‌ها باید برای تمام انجمن‌ها باشد تا ما بتوانیم مصوبه‌ای را به صحن مجلس ببریم و این مشکل را به‌صورت اساسی حل کنیم که درحال‌حاضر ما با انجمن‌های تصویرگران و نقاشان رایزنی‌های لازم را انجام داده‌ایم. فاطمه کرکه‌آبادی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن، جزئیات بیشتری درباره چگونگی برپایی نمایشگاه بیان کرد و گفت: «پارسال و هم‌زمان با اعلام عنوان روز جهانی دیزاین «حرفه‌های باش» همگی در هیئت‌مدیره اتفاق نظر داشتیم که تمامی موارد ذکرشده برای روز جهانی دیزاین از یک شخص حرفه‌ای، در وجود استاد ممیز می‌گنجد و قرار شد این نمایشگاه را با یاد و نام ایشان هم‌زمان با روز جهانی دیزاین برگزار کنیم اما در آن زمان کشور در بحرانی‌ترین شرایط کرونا بود. شرایط خانه هنرمندان هم دائم تغییر می‌کرد و این نمایشگاه نیز مرتب به تعویق می‌افتاد. تا اینکه تصمیم گرفتیم آن را در موزه گرافیک ایران که متعلق به خود انجمن و استاد است بردا کنیم. افتتاحیه آنلاین می‌تواند شروع جدیدی در برپایی نمایشگاه‌ها و افتتاح آنها باشد؛ چراکه به این شکل به افرادی که دور از پایتخت هستند هم فرصت می‌دهیم در افتتاحیه نمایشگاه‌ها حضور داشته باشند. ما بسیار خوشحالیم که این نمایشگاه در موزه گرافیک برگزار می‌شود؛ چون یکی از دغدغه‌های استاد ممیز وجود این موزه بود و شاید ایشان الان به خودشان می‌بالند که نمایشگاه‌شان در مکانی که همیشه آرزوی داشتن آن را داشتند، برگزار شده است». پس از آن فرزاد ادیبی برای رونمایی از کتاب نمایشگاه از حاضران دعوت کرد و در انتها نمایشگاه توسط استاد ممیز بلوغ و خانم افسانه ممیز افتتاح شد. در افتتاحیه این نمایشگاه برزین ضرعامی، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران، کیانوش غریب‌پور مدیر هنری، عادل صدرممتاز دبیر اجرایی، میلاد قلیچ، کیروش قاضی‌مراد، مهدی سعیدی، انوش ممیز رئیس بنیاد ممیز و تنی‌چند از استادان برجسته گرافیک و همراهان این نمایشگاه حضور داشتند. این نمایشگاه در موزه گرافیک ایران در عمارت ارباب هرمز برپاست.

